

غزل

رئیس احمد نعمانی*

تا کی سخن زنی ز دلِ دلبران طلب در رزم گاهِ زیست ز گامت نشان طلب
اندیشه آنقدر مکن از کین دشمنان از حق امان ز دو دلیِ دوستان طلب
آگاه نیستی چو ز کیدِ جهانیان ای ساده دل ز دهر مشو همزبان طلب
ای حق طلب، در آتش اندیشه‌ات بسوز احساسِ دردِ خویش نه از دیگران طلب
بگذار، ابلهان ز فلک آرزو کنند مقصودِ خود ز خالق هفت آسمان طلب
ای آنکه در عمل نه موفّق شد به خیر اکنون دعا کن و اثرِ رایگان طلب
در آرزو لاله رخی تا چه دیده‌ایم از ما می‌پرس ای نگه گلستان طلب
بر آستانِ دوست فدا کن رئیس جان
داد سخنوری نه از آن آستان طلب

* استادیار بخش فارسی مدرسه اس.تی.اچ. دانشگاه اسلامی علیگره و مدیر مرکز مطالعات فارسی، علیگره.

